

پیاده روی اربعین؛ قانون اساسی شیعه

پیاده روی اربعین فرصتی برای معرفی امام حسین (ع) و دین مبین اسلام است. این پیاده روی میلیونی فرصت بی نظیری است که برای همه ابعاد آن باید برنامه ریزی کرد تا از آن برای انتشار اسلام استفاده کرد.



پیاده روی اربعین فرصتی برای معرفی امام حسین (ع) و دین مبین اسلام است. این پیاده روی میلیونی فرصت بی نظیری است که برای همه ابعاد آن باید برنامه ریزی کرد تا از آن برای انتشار اسلام استفاده کرد. یادداشت قانون اساسی شیعه (رهیافتی تاریخی به دلایل پیاده روی اربعین) نوشته محمد کاظم زوار، کارشناس حقوق بین الملل اکنون پیش روی شماست.

وقتی یزید تصمیم گرفت کاروان اهل بیت (علیهم السلام) را روانه مدینه کند، برای ظاهرنمایی و فریب افکار عمومی دستور داد امکانات لازم برای سفر را آماده کنند. امام سجاد (علیه السلام) با خطبه خوانی، روشنگری و پای فشردن بر آرمان اَباعبدالله الحسین (علیه السلام)، یزید را وادار به عقب نشینی کرد با آنکه قصد قتل امام سجاد (علیه السلام) را داشت. جالبتر آن است که از امام خواست تا اگر خواسته ای دارد بیان کند. امام زین العابدین (علیه السلام) سه درخواست مطرح کرد: روی آقا و مولایم حسین را به من نشان دهی تا از او توشه بگیرم به او نگاه کنم و وداعش گویم. آنچه از ما گرفته شده است (اموال به غارت رفته در عاشورا و پس از آن) به ما بازگردانده شود. اگر آهنگ کشتن ما را داری کسی را با این زنان همراه کن تا آن ها را به حرم جدشان بازگرداند. یزید در پاسخ به خواسته های امام گفت: سر پدرت را هرگز نخواهی دید (سر را به تو باز نمی گردانم) و جز تو کسی زنان را به مدینه باز نمی گرداند اما اموالی که از شما گرفته شده است چند برابر قیمتش را می پردازم. امام پاسخ داد: مال تو را نمی خواهم و آنچه از ما گرفته اند نیز از آن جهت طلب کردم که چرخ نخ ریسی فاطمه (سلام الله علیه) دختر پیامبر، روپوش، گردنبند و پیراهنش در میان آنهاست. یزید فرمان داد این اموال را به اهل بیت برگردانند. ۲۰۰ دینار نیز بر این اموال افزود. امام سجاد (علیه السلام) اموال را گرفت و ۲۰۰ دینار را میان فقرا و نیازمندان تقسیم کرد.

بازگشت کاروان اهل بیت (ع)

در دمشق آن گونه که همه کتب معتبر نوشته اند، مقصد کاروان اهل بیت (علیهم السلام) مدینه بود. از پیچیده ترین پرسش هایی که فراروی محققان و پژوهشگران عاشورا وجود دارد، تعیین زمان حرکت و از همه غامض تر و مناقشه انگیزتر، آمدن به کربلا در اربعین است. در این زمینه دیدگاه های مختلفی وجود دارد. کاروان اسیران اهل بیت (علیهم السلام) در نخستین اربعین یعنی در سال ۶۱ از شام به قصد مدینه خارج شدند اما به تقاضای آنان، مسیر تغییر یافت و به کربلا آمدند و پس از زیارت کربلا به مدینه رهسپار شدند.

چه معتقدان به اربعین اول و چه اربعین دوم یا نظر بینابین، آمدن اهل بیت (علیهم السلام) به کربلا را انکار نکرده اند. همه معتقد به آمدن کاروان اهل بیت امام حسین (علیه السلام) به کربلا بوده اند اما در چند و چون آن اختلاف نظر دارند. هیچ کدام از مورخان قدیم و جدید مدت توقف در شام را از یک ماه و نیم بیشتر ننوشته است. نویسنده مقتل الامام الحسین نوشته است: میزان درنگ در شام بر اساس برخی کتب تاریخی کمتر از یک ماه نبوده است. روشنگری اهل بیت (علیهم السلام) نیز وضعیتی درست کرد که یزید نمی توانست اهل بیت را در شام نگه دارد. اگر کسی بگوید بعد از یک ماه و نیم به مدینه رفته اند و سپس به کربلا آمده اند، باید گفت هیچ مورخی گزارش آمدن اهل بیت از مدینه به کربلا را گزارش نداده است. اگر چنین چیزی روی می داد قطعا تعدادی از بنی هاشم که در مدینه بودند به این کاروان اضافه می شد. عمده تاریخ نویسان اتصال سر مبارک اَباعبدالله به تن مبارک ایشان را در اربعین دانسته اند که مسلما در اربعین دوم نمی تواند باشد.

وقتی کاروان اهل بیت (علیهم السلام) به کربلا رسید همگان خود را از مرکب ها فرو افکندند. در این هنگام چشم ها دیگر بار با خاک کربلا آشنا شد. غم ها تازه گردید و زخم های پیشین سر باز کرد. همگان گریبان چاک زدند. موها پریشان کردند و گدازه های اندوه پنهان از دل ها سربرآورد. چند روزی در آنجا ماندند و آنگاه به مدینه سفر کردند. درنگ کاروان را در کربلا سه روز نوشته اند. نیز نوشته اند زنانی از اطراف - احتمالا زنان بنی اسد - آمدند. حضرت زینب (سلام الله علیه) در میان این زنان می نگرست و می گفت: وا آخاه، وا حسینه، وا حبیب رسول الله و ابن مکه و منی و ابن فاطمه زهرا و ابن علی مرتضی. در کنار حضرت زینب (سلام الله علیه) در میان این زنان می نگرست و می گفت: وا اخاه، وا حسناه، وا حسینه. هنوز نشان از خیمه های سوخته، باقی بود. گودال قتلگاه چشم در چشم باز آمدگان داشت. زمین از نیزه ها و تیرها و شمشیرهای شکسته نشان داشت. کودکان با مشاهده این صحنه ها بلند بلند می گریستند. سکینه می گفت: وا محمده، وا جداه.

حضرت زینب (سلام الله علیه) و ام کلثوم (سلام الله علیه) همراه با زنان و کودکان گرد مزار اَباعبدالله (علیه السلام) حلقه زدند. هر یک به زبانی ماجراهای رفته را باز می گفت: یکی از کربلا و سوزها و اشک ها و سوختن ها و تازیانه ها می گفت و دیگری از اسارت و تلخی راه و رنج های مجلس عبیدالله و یزید. ام کلثوم (سلام الله علیه) مزار برادر را در آغوش گرفت و گفت: جعلت فدام، قتل و فدا عرفت و ترکوک عربانا و ذبحوک عطشانا و لم یوجد احد ان یرحمک و یرحم عیالک: فدایت شوم برادر، تو را کشتند و جایگاه و عظمت تو را درنیافتند. بدنت را برهنه رها کردند و تو را شهید کردند در حالی که لب های خشکیده و کامت تشنه بود

و هیچ کس آن لحظه بر تو و خانواده‌ات ترحم روا نداشت.

زیارت اربعین جابر انصاری

اما آنچه مسلم است کسانی که پس از شهادت حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) در اربعین به کربلا آمدند جابر ابن عبدالله انصاری و عطیه کوفی بودند. جابر ۱۵ سال پیش از هجرت در مدینه متولد شد یعنی هنگام وقوع کربلا ۷۶ ساله بود. او ۱۷ سال پس از کربلا نیز زنده بود و در ۹۳ سالگی درگذشت. عطیه هم از یاران و وفاداران امام علی (علیه السلام) و از راویان حدیث بود. جابر پس از غسل و بستن احرام و زدن ماده‌ای خوشبو قدم‌ها را آهسته بر می‌داشت و با نهایت ادب و احترام به سمت قتلگاه حرکت کرد. وقتی به مزار رسید سه بار گفت یا حسین و بی‌هوش شد. وقتی به هوش آمد گفت: حبیب لا یحب حبیبه؟ و چون جواب نشنید پاسخ گفت: چگونه جواب دهی حال آنکه رگ‌های گردنت را بریده‌اند و میان پیکر و سرت جدایی افکنده‌اند. من شهادت می‌دهم تو پسر خاتم پیامبرانی و پسر امیر مؤمنانی و پسر هم‌پیمان تقوا و فرزند هدایتی، پنجمین اصحاب کسائی، پسر سرور نقیایی، پسر فاطمه (سلام الله علیه) برترین زنان جهانی، چگونه چنین نباشی حال آنکه پرورده دست سرور پیامبرانی و در دامن پارسایان پرورش یافتی و از پستان ایمان شیر نوشیدی و با اسلام از شیر بریده شدی. پاکیزه زیستی و پاکیزه رفتی. اما دل‌های مؤمنان در فراق تو دردمند است. در حالی که در خوبی تو تردیدمان نیست. سلام و خشنودی خدا بر تو باد. من گواهی می‌دهم که تو بر همان راه رفتی که برادرت یحیی بن زکریا رفت.

در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه آمده، گریه ۴۰ روزه آسمان و زمین و خورشید و ملائکه را بر امام حسین (علیه السلام) یادآور شده است. اعتبار اربعین امام حسین (علیه السلام) از قدیم‌الایام میان شیعیان و در تقویم تاریخی وفاداران به امام حسین (علیه السلام) شناخته شده بوده است. از روز اربعین زیارت امام حسین (علیه السلام) مستحب است و این زیارت، همانا خواندن زیارت اربعین است که از امام عسکری (علیه السلام) روایت شده که فرمود: علامات مؤمن پنج تاست: خواندن ۵۱ رکعت نماز در شبانه‌روز، نمازهای واجب و نافله و نماز و شب، به دست کردن انگشتی در دست راست، برآمدن پیشانی از سجده و بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز.

سنت پیاده روی اربعین

از هنگامی که نخستین زائر مضجع منور ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)، جابر بن عبدالله انصاری در روز اربعین از مدینه به سمت کربلا رهسپار شد تاکنون سال‌ها می‌گذرد. در این سال‌ها علما و اولیای الهی برای زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) در روز اربعین اهمیت و جایگاه والایی قائل بودند و با پای پیاده از نجف اشرف به سوی کربلا رهسپار می‌شدند، بی‌شک جابر بن عبدالله، نخستین زائر کربلای معلی در روز اربعین سال ۶۱ هجری است، این سنت حسنه نیز در سال‌های حضور ائمه معصومین (علیهما السلام) با وجود حکومت سفاک و خونریز اموی و عباسی انجام شده است. در برخی از روایات تاریخی بیان شده است که زیارت کربلا با پای پیاده در زمان «شیخ انصاری» (متوفی سال ۱۲۸۱ قمری) رسم بوده است، اما در برهه‌ای از زمان به ورطه فراموشی سپرده می‌شود که در نهایت توسط «شیخ میرزا حسین نوری» دوباره احیا می‌شود.

این عالم بزرگوار اولین بار در عید قربان به پیاده‌روی از نجف تا کربلا اقدام کرد سه روز در راه بود و حدود ۳۰ نفر از دوستان و اطرافیانش وی را همراهی می‌کردند، نیز با وی بودند. «محدث نوری» از آن پس تصمیم گرفت، هر سال این کار را تکرار کند، ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری با پای پیاده به زیارت حرم ابا عبدالله حسین (ع) رفت. با این‌که زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) در اکثر برهه‌های تاریخی به سختی انجام می‌شد و جان زائران در خطر بود، اما با این وجود عاشقانه خطرات را به جان می‌خریدند و به پابوسی امام حسین (علیه السلام) در روز اربعین نائل می‌شدند.

پیاده‌روی مراجع و علما تا زمان صدام ادامه داشته است، اما از زمانی که او در سال ۱۳۵۸ (۱۴۰۰ قمری) به ریاست جمهوری عراق رسید تا زمانی که در سال ۱۳۸۱ شمسی (۱۴۲۴ قمری) سقوط کرد، وقفه‌ای در اجرای مراسم عزاداری با شکوه و پیاده‌روی‌های دسته جمعی ایجاد شد، هر چند که برخی اخبار حکایت از پیاده‌روی مخفی مردم در زمان صدام داشته است که گاهی منجر به شهادت این افراد توسط نیروهای بعث شده، اما مردم عراق با سقوط صدام، بار دیگر عشق و علاقه وصف‌ناپذیر خود به امام حسین (علیه السلام) را طی این چند سال به جهانیان ثابت کرده‌اند که در کنار دیگر محبان و شیعیان اهل بیت از کشورهای ایران، لبنان، پاکستان، هند، لبنان، قطر، امارات، کویت، بحرین و ... مراسم اربعین حسینی را با شکوه‌تر از سال قبل اجرا می‌کنند.

آینده پیاده روی اربعین

با استقبال زایدالوصف آزادگان جهان از هر دین و مذهبی از سراسر جهان خصوصا شیعیان هندی، پاکستانی و ایرانی هر سال به این شور و شوق افزوده می‌شود و این فرصتی برای معرفی امام حسین (علیه السلام) و دین مبین اسلام است. این پیاده‌روی میلیونی فرصت بی‌نظیری است که برای همه ابعاد آن باید برنامه‌ریزی کرد تا از آن برای انتشار اسلام استفاده کرد. از آنجایی که می‌توان گفت قیام عاشورا قانون اساسی عالم تشیع قلمداد می‌شود باید پذیرفت که بخش اعظمی از این قانون اساسی در اربعین حسینی به میثاق نوینی تبدیل می‌شود که باید از بسترهای فرهنگی و معنوی آن نهایت بهره را برد.